

## شکاف‌های عمیق بین مذاхی جدید و قدیم / مذاخی به کنسرت تبدیل می‌شود



شناسه خبر : ۱۴۰۲ - آذر ۸ چهارشنبه ۱۲۴۵۷۳

مسعود کوثری معتقد است که شکاف‌های عمیقی بین مذاخی جدید و قدیم وجود دارد و اگر مسیر مذاخی به همین روال پیش برود، مذاخی به چیزی شبیه به کنسرت تبدیل می‌شود.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، سومین نشست از سلسله نشست‌های تحلیل موسیقی مذهبی در میز موسیقی اندیشکده هیأت و آیین‌های مذهبی به «تحلیل جامعه شناختی مذاخی پاپ» اختصاص داشت. این نشست بعد از ظهر امروز چهارشنبه ۸ آذر ۱۴۰۲ از ساعت ۱۵ و با حضور مسعود کوثری برگزار شد. کوثری پژوهشگر حوزه ارتباطات، فرهنگ، موسیقی و توسعه و استادیار و مدیر گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران است.

مسعود کوثری در این نشست ضمن بررسی تحولات شکل گرفته در عرصه مذاخی، به قیاسِ مذاخی قدیم با مধی جدید

پرداخت و تفاوت‌های این دو را برای حاضران در نشست تشریح کرد. این پژوهشگر در خلال صحبت‌هایش تصاویر، ویدیوها و مداعی‌هایی را برای حاضران پخش کرد تا برای صحبت‌هایش مستندات لازم را ارائه کرده باشد. در ادامه گزیده‌ای از صحبت‌های مسعود کوثری در این نشست را می‌خوانید:

حرف من این است که مداعی از شکل فعالیتی ساده و شفاهی و مبتنی بر تاثیرگذاری فرد بر جمع به پدیدهای موسیقایی تبدیل شده است.

در مداعی‌ها فضاسازی‌های موسیقی کاملاً شکل گرفته است و استفاده از افکت‌ها باب شده است. حتی عکس‌مداعان هم دیگر فرم رسمی قبل را ندارد.

مداعی جدید با قدیم چند تفاوت عمده دارد. تحقیقی در همین باره انجام شده و براساس مصاحبه با مداعان قدیمی نقاط مختلف ایراد؛ این تفاوت‌ها به دست آمده است. یعنی از نظر مداعان، مداعی قدیم با مداعی جدید این تفاوت‌ها دارد:

در مداعی سنتی اهل بیت گرایی و اخلاق گرایی و سنت گرایی بیشتر از مداعی جدید است. محتواهای قوی در مداعی سنتی و محتواهای ضعیف در مداعی‌های جدید به چشم می‌خورد. باساده‌ی مداعان قدیمی در مقابل کم سوادی مداعان جدید؛ اینجا منظور اطلاع از مسائل دینی است. اثرگذاری اجتماعی در مداعان قدیمی در مقابل اثرگذاری شخصی در مداعی جدید.

در شکل قدیمی مداعان مستجاب الدعوه هستند و پناه مردم به شمار می‌آیند. اما این ویژگی در مداعان جدید وجود ندارد.

تاكيد بر جنون و ديوانگي در مداعي سنتي وجود ندارد اما در اشعار مداعي جدید اين مسئله برجسته است. در مداعي جديده تاكيد بر گناه‌كار بودن فرد است و اين مسئله بسيار پررنگ است.

همه اين‌ها نشان مي‌دهد که شکافی عميق بين مداعي جدید و مداعي قديم ايجاد شده است. خود مداعان هم اين مسئله را قبول دارند و در نتيجه نمي‌توان آن را يك نقد بيرونی در نظر گرفت که صداليته يك گفتمان درونی هم هست.

با اين رويه که در حال حاضر در مداعي وجود دارد، مداعي به طور كامل به اتفاقی موسيقى محور تبدیل می‌شود. اگر اينچنان پيش برود ديگر مخاطب پسندی بر همه چيز ارجحیت می‌يابد. شاید لازم باشد که ما از مداعي‌اي حمایت کним

که دیگر سیستم صوتی و آمپلی فایر و دوربین در آن نباشد.  
بخشی از نجات مداری با این اتفاق انجام پذیر می شود. قرار بود با دانشگاه مداری به اسناد و موسیقی درست برای  
مداری برسیم که البته نمی دانم سرانجام دانشگاه مداری به کجا رسید.  
ما باید به هدف مجالس مداری توجه کنیم؛ اینکه هدف چیست و جامعه چه آدمی می خواهد بسازد؟  
در مداری هدف انسان سازی است.

در به وجود آمدن این اوضاع رسانه هم مقصراً هستند و باید خودشان را اصلاح کنند و اشکال درست تر مداری را ترویج  
کند.

انتهای پیام /

انتهای پیام /